

تبیین فرصت های حضور و مشارکت مردم در انقلاب اسلامی
رضا دهقانان¹ محمد مظهري² محمدرضا مجتهدی³ آیت مولایی⁴

تاریخ پذیرش: 1399/11/16

تاریخ دریافت: 1399/07/19

چکیده:

تحولات اساسی در ماهیت، ساختار و منابع قدرت در ایران و نهادهای سازنده قدرت سیاسی منحصر به فرد را می توان یکی از دستاوردهای مهم پیروزی انقلاب اسلامی دانست که با تدابیر امام خمینی (ره) بر پایه نظریه ولایت فقیه و ارزش های الهی - اسلامی با تکیه و تاکید بر مردمی بودن این نظام بنا نهاده شد. حضور و مشارکت مردم در شکل گیری قدرت سیاسی کشور، ولی نعمت دانستن آنها و اجتناب از تجربه دوران رژیم پهلوی در ظاهری بودن مشارکت مردم در بیانات، ارائه طریق و نیز در وصیت نامه الهی - سیاسی امام خمینی (ره) مورد تاکید بوده است. رهبری انقلاب نیز با همین رویکرد، در اغلب فرمایشات و توصیه ها بر ضرورت و اهمیت مردمی بودن نظام جمهوری اسلامی ایران تاکید نموده اند. این مقاله با تبیین و بررسی مشارکت و نقش مردم در اداره کشور، در صدد پاسخ به این سوال محوری است که عمده ترین ساز و کارهای مناسب جهت اعتلای کارآمدی از طریق افزایش مشارکت و حضور مردم در عرصه های مختلف نظام جمهوری اسلامی ایران کدام است؟ در پاسخ، این فرضیه مطرح می گردد که دیدگاه اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران ساز و کارهای ویژه ای برای تقویت و افزایش میزان مشارکت مردم و مردمی کردن نظام اسلامی ایران مد نظر رهبران و قانون اساسی این کشور است. در این تحقیق سعی بر آن شده است تا با بررسی آثار و مکتوبات مدون، این ساز و کارها به روش کتابخانه ای و به شیوه توصیفی تحلیلی با نگاهی جدید مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

واژگان اصلی: مشارکت، مردمی بودن، پاسخگویی، نخبگان، احساس مسئولیت

1. دانشجوی دکتری حقوق عمومی دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.

Rdehghanian2@gmail.com

2. استادیار گروه حقوق، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران (نویسنده مسئول)

m.mazhari@tabrizu.ac.ir

3. استاد گروه حقوق، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران. mojtehedi2004@yahoo.com

4. استادیار گروه حقوق، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران. amulaee@tabrizu.ac.ir

مقدمه

در دهه‌های ظهور با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، تغییر و تحولات مهمی در ماهیت، ساختار و منابع قدرت در ایران ایجاد گردید که نقطه عطف مهمی در نهادینه ساختن قدرت سیاسی منحصر به فردی در تاریخ سیاسی ایران می باشد. قدرت سیاسی ویژه‌ای که با تدابیر معمار کبیر انقلاب اسلامی امام خمینی (ره) مبتنی بر نظریه نظام سیاسی ولایت فقیه و فرهنگ سیاسی ویژه آن مبنی بر ارزش های الهی - اسلامی نهادهای اجتماعی - مدنی و تکیه بر مردمی بودن این نظام شکل گرفت و ساختار، ماهیت و عناصر ویژه‌ای دارد که در اصل ششم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تصریح شده است.

چه قبل و چه بعد از انقلاب اسلامی، حضرت امام (ره) نقش ویژه و برجسته‌ای برای حضور مردم و دخالت دادن آنها در قدرت سیاسی کشور قائل بودند. نگاهی به رویکردهای ایشان در خصوص سرنوشت سیاسی کشور، گویای این امر مهم است که امام (ره) توجه به مشارک مردم و ولی نعمت دانستن آنها را به عنوان ضرورت مسلم و اجتناب ناپذیر کشور انگاشته‌اند و نسبت به بازگشت وضعیت به دوران رژیم پهلوی و ظاهری بودن مشارکت مردم در قدرت سیاسی حساسیت ویژه‌ای داشته‌اند که در بیانات ارزنده و نیز در وصیت نامه الهی - سیاسی ایشان موضوع به کرات قابل اعتناست.

معظم رهبری نیز با چنین رویکردی در بیشتر سخنرانی‌ها و توصیه‌ها بر ضرورت و اهمیت مردمی بودن نظام جمهوری اسلامی ایران تاکید می‌فرمایند و حتی این امر محدود به دولت خاصی نبوده و در دیدگاه ایشان برای اینکه حکومت در داخل و خارج بتواند همبستگی ایجاد کند، نیاز مبرم به پشتوانه مردمی و مشروعیت ملی دارد. هر اندازه نگاه حاکمیت به مشارکت مردم و دیده شدن آنها تقویت شود، میزان موفقیت کل نظام جمهوری اسلامی ایران برای تامین منافع ملی نیز افزایش می‌یابد. این یکی از بدیهیات جمهوری بودن در نظام‌های مردم سالار است. در این مقاله ما به دنبال بررسی نقش مردم و مشارکت دادن آنها در اداره امور کشور هستیم و این محور اصلی این مقاله محسوب می‌شود. در این راستا به دنبال یافتن پاسخ مناسب به این سوال محوری هستیم که عمده ترین ساز و کارهای مناسب جهت افزایش مشارکت و کارآمدی حضور مردم در عرصه‌های مختلف نظام جمهوری اسلامی ایران کدام است. در پاسخ این فرضیه مطرح می‌شود که در دیدگاه اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران، ساز و کارهای ویژه‌ای برای تقویت و افزایش میزان مشارکت مردم و مردمی کردن نظام اسلامی ایران مد نظر رهبران و قانون اساسی این کشور است که به تفکیک مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم.

1- مشارکت‌گرایی مردم در ساخت قدرت

نقش و مشارکت مردم در ایجاد قدرت از منظر تاریخی حاصل اجتماع اندیشه حکمرانی روم است. (مارتین^۱، 2012، ص 5) امروزه واضح است که قدرت سیاسی در مفهوم کنونی از طریق مشارکت محقق گردیده و در چارچوب آن اعمال می‌شود. (لاگلین، 1393، ص 145) پس می‌توان قبول کرد که مشارکت مردم در شکل‌گیری قدرت، روشی بنیادین برای مردم سالاری است. (اوربیناتی^۲، 2006، ص 232)

مشارکت مردم در ادبیات مفهومی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران جایگاه قابل توجهی داشته و در مقدمه آن در ساخت قدرت با عباراتی تحت عنوان «سپردن سرنوشت مردم به دست خودشان» و «ایجاد زمینه مشارکت در تمام مراحل تصمیم‌گیری‌های سیاسی و سرنوشت‌ساز برای همه افراد اجتماع» مورد تأکید واقع شده است. بند هشتم از اصل سوم قانون اساسی، دولت را مکلف نموده است تا از همه امکانات خودش در جهت تحقق مشارکت عموم مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خودشان بهره‌مند شوند. اصل ششم نیز ساخت قدرت سیاسی را مستلزم اتکای آن به آرای مردم به واسطه برگزاری انتخابات عمومی دانسته است. ساخت قدرت و ایجاد حکومت با «مشارکت مردم از طریق انتخابات» در اصل اول و «غیر قابل سلب بودن آزادی‌ها» حتی بر اساس قانون در اصل نهم مورد تأکید قرار گرفته و از حق تعیین سرنوشت نیز در اصل پنجاه و ششم به عنوان «حق الهی» و «حق طبیعی» نام‌برده شده است.

مشارکت مردم در ساخت قدرت در یک نظام، زمانی مفهوم واقعی پیدا می‌کند که چارچوب اعمال قدرت سیاسی ایجاد شده از قدرت مردم تبعیت نموده و نقش مردم همواره در نظام متجلی باشد. نباید از مشارکت مردم فقط برای ساخت قدرت سیاسی استفاده شود و عملاً پس از شکل‌گیری قدرت، مردم نادیده گرفته شوند. در غیر این صورت منجر به گسست رابطه میان مردم در زمان ساخت قدرت با مرحله اعمال قدرت سیاسی خواهد شد. (دبیرنیا، 1395، ص 158)

مفهوم مشارکت مردم در شکل‌گیری جمهوری اسلامی در بیانات بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی به نحو موثری به عنوان یک آرمان و هدف نهایی متبلور است. (خمینی‌امام، 1358، ص 173) تحقق مشارکت مردم در ساخت قدرت، مستلزم مجموعه‌ای از اقدامات فرهنگی و اجتماعی در جامعه بوده و به الزاماتی مانند آزادی بیان، احزاب، گفتمان عمومی، اجتماعات و مطبوعات و تکررگرایی در مقابل

¹ Martin

² Urbinati

فردگرایی نیازمند است. یقیناً در صورت عدم وجود چنین الزاماتی، تحقق اعمال قدرت سیاسی ناشی از مشارکت مردم در ساخت آن دور از واقعیت خواهد بود. (دبیرنیا و شبیانی، 1399، ص 81) گرایش مردم به مشارکت در ساخت قدرت، یکی از ابعاد توسعه سیاسی است لیکن رفع موانع حقوقی و بازننگری اجتماعی تدریجی الزاماً سبب گسترش این مشارکت نخواهد بود. بر اساس نظریه تکاملی¹، شهروندی که در شکل گیری قدرت مشارکت داشته باشد، شهروند آرمانی شناخته می‌شود. (نیک پور قنواتی، معینی و احمدی، 1391، ص 45) لذا، مشارکت را می‌توان نوعی اعمال مسئولیت اجتماعی دانست که مثل یک تجربه اکتسابی، یاریگر شهروندان از حقوق، تکالیف و مسئولیت‌های آنان است.

2- پاسخگویی حاکمان

چنانچه پاسخگویی را به عنوان یک فضیلت بدانیم، در این صورت، پاسخگویی مجموعه‌ای از استانداردهای رفتاری جهت ارزیابی عملکرد مدیران و کارگزاران سازمان‌ها و مؤسسات دولتی است. این استانداردهای رفتاری، متنوع و بسیار گسترده هستند. الزامات پاسخگویی بسته به زمان، مکان و نقش فرد متفاوت است. در واقع پاسخگویی در این مفهوم، تحلیل نموده بلکه ارزیابی است. اما اگر پاسخگویی را به عنوان یک ساز و کار اجتماعی بدانیم، در این صورت به معنای یک رابطه اجتماعی است که به موجب آن، مقام مسئول برای تشریح، تبیین عملکرد و توضیح رفتار خود در قبال مردم احساس مسئولیت می‌کند. بر این مبنای پاسخگویی سه جزء اساسی دارد؛ اول اینکه کارگزار متعهد است درباره اقدامات و تصمیمات خود به پاسخ خواه اطلاعات لازم را ارائه نماید. دوم اینکه از مدیر و کارگزار درباره تصمیمات و اقدامات وی سوال و پرسشی مطرح شود. جزء سوم، قضاوت و ارزیابی در خصوص عملکرد کارگزار و مدیر توسط پاسخ خواه می‌باشد. (واعظی، آزمندیان، 1390، ص 136)

تحقق پاسخگویی به عنوان یکی از ضروریات نظام اسلامی سبب تقویت ارتباط مردم با مدیران و کارگزاران شده و با شفافیت در عملکرد سازمان‌ها و کاهش مفاسد اداری و مالی، انسجام و مشروعیت نظام سیاسی افزایش می‌یابد. بنابراین می‌توان ادعا نمود که پاسخگویی به عنوان ابزار کنترل، تضمین‌کننده استفاده صحیح از منابع عمومی و نیز وسیله‌ای برای بهبود خدمات عمومی و دولتی است. (واعظی، آزمندیان، 1390، ص 137) نکته قابل توجه و حائز اهمیت اینکه، ایجاد یک نظام پاسخگویی جامع و متوازن برای ممانعت از بروز کژکاردهای آن است و سه اصل نظارت،

¹ Evolutionary theory

شفافیت و شکایت را می‌توان به عنوان مبانی ایجاد چنین نظامی دانست. (رحیمی، ایمان پور، 1397، ص 119) در واقع پاسخگویی از بعد نظارتی، نوعی تعهد در مقابل مسئولیت است. امروزه اکثر دولت‌ها در شرایطی بوده و در بستری حکومت می‌کنند که به منظور بقا و دوام قدرت، نیازمند تداوم مشارکت مردم در عرصه قدرت سیاسی برای نیل به توسعه پایدار بوده و ناگزیر هستند که در برابر شهروندان خود پاسخگو باشند.

3- چرخش نخبگان

ریشه بنیادین «نظریه نخبه گرایی» این است که تاریخ سیاست، تاریخ سلطه «نخبه» است و اتخاذ تصمیم عمده و اساسی در تمامی جوامع با اقلیتی تحت عنوان «نخبگان» است. بنابراین اهداف تمامی جوامع توسط نخبگان آن تعیین می‌شود. نظریه نخبگی در افکار روانشناسان بنیادگرا، بر این نکته تأکید دارد که طبیعت افراد زمینه ساز جایگاه و نقش آنها در جامعه بوده و منابع قدرت اعم از نظامی، اقتصادی و امثالهم نقش کمتری در تعیین جایگاه نخبه در اجتماع دارند. اما زمینه فکری دیگری، نظریه نخبه گرایی را معلول اجتناب ناپذیر توسعه سازمان اجتماعی جدید می‌داند. سرشت این نظریه این است که پیچیدگی سازمانی، شکل‌گیری نخبگان را ایجاب کرده است. این نخبگان هستند که به دلیل انسجام درونی، موجبات نابرابری و تشخیص‌طلبی در ساختار اجتماعی را فراهم می‌کنند. از این منظر، وجود نخبگان در جوامع مدرن یک ضرورت است چراکه قدرت و اقتدار نخبگان کلید کنترل سازمان‌های سیاسی و اقتصادی در جوامع مدرن است. (فرهادی، 1388، ص 54) ارتباط برخی گروه‌های نخبه فرصت طلب با ناهنجاری‌ها منجر به بروز فساد می‌گردد. بنابراین فرهنگ نخبگان، خاستگاه تحول در ارزش‌ها، رفتارها و یا فساد سیاسی است. (جمالی اسگوئی، بخشایشی اردستانی و بنی هاشمی، 1398، ص 37)

یکی از مفاهیم کلیدی در اندیشه ویلفردو پاره تو¹ مفهوم «گردش نخبگان» است. از دیدگاه پاره‌تو، «گردش کامل نخبگان»، متفاوت از «گردش ناقص» است. زیرا بروز تحرک اجتماعی مستلزم گردش کامل نخبگان است. تحرک یاد شده در اندیشه پاره‌تو دو رکن اساسی دارد: رکن اول ورود قشرهای شایسته پایین جامعه به سطوح بالا و رکن دوم بوجود آمدن نخبگان جدید است. پس صرف وجود رکن اول، نوعی تهدید و آسیب به تحرک اجتماعی خواهد بود، لیکن با تحقق رکن دوم و

¹ Vilfredo Pareto

تکمیل چرخش کامل، جامعه به تعادل دست خواهد یافت. در واقع، بقای جامعه در اندیشه پاره تو بر خوبی یا بدی جامعه ترجیح دارد و تقویت جامعه مد نظر وی بوده و معتقد است: «اگر ملتی نتواند بقا داشته باشد، بحث از خوبی یا بدی جامعه علاوه بر اینکه بی‌فایده است، انتزاعی هم خواهد بود». از این رو پاره تو گردش نخبگان را شرط لازم برای بقای جامعه و پرهیز از انقلاب می‌داند. از نظر وبر¹ سلطه نخبگان در درون دستگاه حکومتی اجتناب‌ناپذیر است. او معتقد است: «تمام اندیشه‌های معطوف به برچیدن سلطه انسان بر انسان خیالی بیش نیست». (فرهادی، 1389، ص 59)

تحقیق «چرخش نخبگان» یا «جابه‌جایی قدرت» نتیجه فرایندی است که به آرامی و به نحو دموکراتیک تحت عنوان «انتخابات» به وقوع می‌پیوندد. در این روند، برنامه‌ها و سیاست‌های تازه‌ای پا به عرصه رقابت می‌نهند که شاید در تعارض جدی با اندیشه‌ها و برنامه‌های مستخبان سابق باشد. انتخابات با ایجاد تغییرات قابل ملاحظه در فضای اجتماعی و سیاسی که محصول انتخاب نمایندگان جدید و تغییر در تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌ها است، زمینه را برای تغییر در مناسبات و جایگاه بین المللی کشور فراهم می‌نماید. (قنبرلو، 1394، ص 172) هر چند دگرگونی در شکل حکومت و تغییر ترکیب، الزاماً به معنی تغییر حاکمیت دولت نیست و حتی به شخصیت بین المللی دولت اثری ندارد و نهایتاً اینکه تغییر نخبگان یا نهادهای حکومت نیازی به شناسایی سایر دولت‌ها ندارد.

4- شورا و مشورت

عقل و خرد عطیه الهی است که خداوند به انسان کرامت نموده تا در سایه آن، خود را به کامل‌ترین درجات کمال برساند. آیات و احادیث هم از ما خواسته‌اند تا در زندگی فردی و اجتماعی، اساس کار خود را بر مبنای مشورت با افراد عالم، عاقل، متدین، خیرخواه و باتجربه تنظیم کنیم. بر این اساس است که اغلب مدیران و مسئولان نظام جمهوری اسلامی ایران قبل از اتخاذ تصمیم و اجرایی نمودن آن، با بهره‌گیری از توان مشاوران و اندیشمندان حوزه مربوطه، جوانب امر را بطور دقیق، کارشناسانه و علمی مورد بررسی قرار داده و از اتکای به رای خود داری می‌کنند. به عنوان نمونه بهره‌گیری از مشاورت نهاد قانونی مجمع تشخیص مصلت نظام مصداق بارز این مدعاست. لازم به توضیح است که؛ در نظام اسلامی مانند اکثر نظام‌های حکومتی، دو گونه شورا وجود دارد؛ گونه اول، شورای تصمیم‌گیری است که تحت عنوان «شورای قرار» شناخته می‌شود. گونه دوم، شورای مشورتی و نظر دهی است که با عنوان «شورای کاشفه» یا «استشاره» نامیده می‌شود. در شورای قرار، هم مشورت و

¹ Max Weber

هم تبعیت از تصمیمات شورا بر حاکم لازم است اما در شورای استشاره، مشورت می‌تواند اختیاری یا گاه الزامی باشد؛ در عین حال، اتخاذ تصمیم‌گیری با حاکم است و شورا توان تصمیم‌گیری ندارد. (شای 1992، ص 112) بلکه شورا صرفاً نظر مشورتی ارائه می‌کند.

در نظام جمهوری اسلامی ایران، در خصوص نظرات مشورتی مجمع تشخیص مصلحت نظام در باب اعلامی بودن یا الزامی بودن آن برای مسئولان نظام بر اساس دیدگاه امام خمینی (ره) می‌توان ادعا نمود که؛ هدایت نصوص دینی به این باور است که مسئولان و مدیران نظام اسلامی در اتخاذ تصمیمات کلان و اداره امور کشور باید بر اساس مشورت رفتار نمایند. البته این مشورت جنبه طریقت دارد و اتخاذ تصمیم نهایی به دست حاکم اسلامی است. (موسوی بجنوردی، 1396، ص 94)

بهره‌مندی از خرد جمعی برای نیل به اهداف نظام جمهوری اسلامی همواره مورد تاکید مقام معظم رهبری¹، بند یکم از اصل یکصد و دهم قانون اساسی و سایر قوانین موضوعه نظیر قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران، مصوب 1375/3/1، بوده است. استفاده مسئولان نظام از مشاوران متعهد و با تجربه در حوزه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، نظامی، اقتصادی، فرهنگی، آموزشی و سایر امورات موید این ادعاست.

5- قانون‌گرایی همگانی

اصل حاکمیت قانون به عنوان بارزترین اندیشه‌های مترقی در علم حقوق، متضمن بقا و دوام یک جامعه است. حاکمیت قانون را می‌توان چنین تعریف کرد: «وجود زمینه‌های ذهنی و عینی برای تطبیق قانون و برتری قانون نسبت به تمام مراجع دیگر در جامعه». (کاتوزیان، 1366، ص 43) این اصل، به‌عنوان زیر بنای روابط مردم با حکومت شناخته شده و برقراری عدالت مستلزم وجود قانون در یک نظام حقوقی است. قانون‌گرایی به معنی ضابطه‌مند بودن رفتار مردم یک جامعه در چارچوب مقررات مدون و مورد پذیرش درصد بالای افراد است که منجر به ثبات و پایداری جامعه می‌شود. قانون‌گرایی، پیامد و آثار فراوانی برای جامعه داشته و تحقق بسیاری از اهداف اجتماعی را تضمین می‌کند. (خدایی، 1393، ص 90) این اهداف می‌تواند شامل تحقق آزادی، اقتدار حاکمیت، عدالت

¹ بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام، 2 تیر 1394.

اجتماعی، امنیت، هویت ملی، توسعه اجتماعی، سیاسی و بسیاری موارد دیگر باشد. بطور خلاصه می‌توان ادعا نمود که هنجار اجتماعی، ترکیبی از روابط اجتماعی و تعهد است. (چلبی، 1375، ص 109)

قانون‌گرایی را می‌توان اصل اولیه و اساسی سبک زندگی توسعه یافته دانست. زیرا مهم‌ترین نماد توسعه یافتگی، رعایت قاعده و قانون در جامعه است. بنابراین مشاهده آثار بارز توسعه یافتگی از جمله عقلانیت، علم‌گرایی و قانونمندی، مستلزم اصلاح رفتار و فرهنگ گریز از ضوابط و قوانین است. (خدایی، 1393، ص 105) قانون‌گرایی مبانی متعددی دارد که می‌توان به مواردی نظیر اصل برابری، اصل آزادی، حقوق بشر و نهادینه کردن رفتار انسانی اشاره نمود که در واقع روندی است که انسان را از بدو تولد در بر گرفته و هنجارهای اجتماعی او را شکل می‌دهد. اما نهادینه شدن، یک امر اجتماعی است. بدین معنی که پایداری و ریشه دار شدن آن در جامعه مشروط به مقبولیت و به رسمیت شناخته شدن آن ارزش‌ها و مقررات توسط افراد جامعه است. (گلابی، 1376، ص 99) بر-اساس این تعریف، نهادینه‌سازی حاکمیت قانون در یک جامعه، به معنای اجرای روندی است که به واسطه آن بتوان قواعد و مقررات حقوقی و قانونی را به شکل منظم و منسجم در جامعه توسعه و گسترش داد تا بدین وسیله، حاکمیت قانون در متن جامعه مورد تأیید واقع شده و مردم، ارزش‌ها و مقررات مربوط به آن را به رسمیت بشناسند. (خدایی، 1393، ص 94) تیلور¹ معتقد است که همه مردم فقط به خاطر وجود سیستم‌های جزا و پاداش و محاسبه سود و زیان، قانون را رعایت نمی‌کنند، بلکه عامل مهم قانون‌گرایی و تبعیت از قانون، مشروعیت سیستم و نظامی است که قوانین در آن تدوین و اجرا می‌شوند. به همین دلیل است که بسیاری از مردم قانون را رعایت می‌کنند. حال آنکه ممکن است اجرای قوانین برایشان سودی هم نداشته و حتی در مواردی بر علیه آنها باشد. (تیلور، 2001، ص 79) البته به نظر فولر²، عدم وضوح، وجود تناقض و یا غیرممکن بودن مطالبات حکومت از شهروندان، منجر به نارضایتی مردم می‌گردد. اوج ناخرسندی زمانی است که حکمرانان علیرغم عدم تبعیت خود از قوانین و عدم تمکین به الزامات قانونی، انتظار دارند تا شهروندان از قانون و مقررات متابعت نمایند. (رحمت‌اللهی، یزدی زاده البریز، 1398، ص 86) این ناخرسندی منطقی بوده و تعدی مردم از قانون به زعم آنها، اقدامی منصفانه و منطبق با عدالت است.

¹ Tyler

² Fuller (1902-1978)

6- ساز و کارهای حقوقی و تشکیلاتی

در نظام مردم سالار دینی جمهوری اسلامی ایران، نظارت مردم مبتنی بر مبانی اسلامی است. نظارت عمومی ماهیتی سیاسی دارد زیرا نظارت مردم بر قدرت، محدود به بایدها و نبایدهای مصرح در قانون نیست بلکه تمامی عملکردها و رویکردهای حکومت را تجزیه و تحلیل می‌کند. ضمانت اجرایی این نظارت، مشارکت مردم در انتخابات و دادن رای به کارگزاران خود است. این نظارت گاهی از طریق رسانه های جمعی به عنوان زبان گویای مردم است که در واقع بخشی از نظارت مستمر مردمی بر دولت و سازمان های دولتی است. گاهی هم نظارت از طریق احزاب و تشکل های سیاسی است که از یک سو زمینه آگاه سازی مردم را فراهم می‌کند و از سوی دیگر، کارگزاران را وادار به دقت در اعمال و رفتار خود می‌نماید. اصل بیست و ششم قانون اساسی، تشکیل احزاب را به رسمیت شناخته است. مضاف بر آن، به موجب قانون فعالیت احزاب، حزب تشکیلاتی است دارای اساسنامه و مرامنامه که به وسیله گروهی از اشخاص حقیقی با اعتقاد به آرمان‌ها و مشی سیاسی معینی تأسیس می‌شود، اهداف و برنامه‌های آن مرتبط با اصول اداره کشور و خط‌مشی کلی نظام جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. (عامری، 1394، ص 132) بنابراین حزب یک تشکل سیاسی است که وسیله‌ای برای مشارکت مردم در تعیین سرنوشت خودشان می‌باشد. این دلیلی واضح بر مردمی بودن نظام جمهوری اسلامی ایران است.

شکل دیگر نظارت سیاسی، نظارت از طریق اجتماعات و راهپیمائی‌هاست که به موجب قانون اساسی از باب امر به معروف و نهی از منکر یک وظیفه شرعی برای عموم مردم است. از این حق اجتماعی و تکلیف شرعی می‌توان در جهت مهار قدرت دولت و جلوگیری از نیل دولت به استبداد استفاده کرده و سلامت هیات حاکمه را تضمین نمود. (هاشمی، 1384، ص 261) البته غالباً هدف از برگزاری اجتماعات و راهپیمائی‌ها، تبادل نظر، اطلاع از عقاید و اندیشه یکدیگر، اعلام موضع، دفاع از منافع حزبی، اعتراض به اوضاع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است. (جوان آراسته، 1384، ص 178) اصل بیست‌وهفتم قانون اساسی جواز برگزاری اجتماعات، تجمعات و راهپیمائی‌ها را مشروط به رعایت محدودیت های دوگانه ممنوعیت حمل سلاح و محل نبودن به نظام دانسته است. مقام معظم رهبری در بیانات خویش پیرامون این مسئله، چنین ارائه طریق می‌فرمایند: «ما عقیده داریم که اگر چنانچه کسانی بخواهند برای انقلاب کار کنند و این‌ها متشکل نباشند، متجمع نباشند، نخواهند توانست از لحاظ کمی و کیفی آن‌کاری را بکنند که یک گروه متشکل انجام خواهد داد».

(1361/09/18) متسکیو معتقد است: «ملت نمی تواند فرمانروا باشد مگر به وسیله آرای خودش که عبارت از اراده او می باشد. پس اراده ملت خود ملت است». (متسکیو، 1362، ص 94)

7- ساز و کارهای خروج از موازی کاری

وجود نهادهای موازی در حوزه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی نه تنها موجب تسهیل روند طبیعی امورات نمی شود بلکه به لحاظ تعدد نهادهای تصمیم گیر و عمل کننده در موضوع واحد، ناهماهنگی و تعارض‌هایی در جامعه بروز پیدا کرده و اسباب نارضایتی مردم فراهم می شود. شناسایی نهادهای موازی، حذف یا ادغام در یک زیر مجموعه منسجم و کلی به رفع این دغدغه کمک شایانی خواهد کرد. بدین معنی که بخش کل، سیاست گذاری‌های کلان را تعیین کرده و زیر مجموعه آن هم با رعایت سلسله مراتب در حوزه‌های مختلف انجام وظیفه نموده و فعالیت می کنند تا به این وسیله از موازی کاری و تبعات ناشی از آن جلوگیری شود.

8- توسعه دیوانسالاری کارآمد

علیرغم اینکه در جوامع پیشرفته، مردم سالاری به اشکال جدیدی در حال شکوفایی است، با این وجود دیوان سالاری‌ها جای مرکزی دارند. البته دیوان سالاری در این جوامع امری ضروری است زیرا اکثر کارهای سیاست کنونی نظیر تأمین کالا و خدمات برای مردم و گروه‌های ویژه، وضع قوانین و مقررات برای ثبات و رشد اقتصادی را عهده دار هستند. دیوان سالاری برای سازمان دهی تلاش‌های یکایک افراد در برنامه‌های جمعی و گروهی به منظور ایجاد محیط پایدار برای پیشرفت کارهای روزانه، حداقل در اصول یک شیوه منظمی فراهم می کند که منجر به رفتار عادلانه می گردد. این رفتار نتیجه حاکمیت قانون، مقررات و روش کار مشخصی است که به منزله بنیان دیوان سالاری است. سوال این است که چگونه می توان دیوان سالاری را برانگیخت تا جایگاه واقعی خود در سیاست مردم سالار را پیدا کند؟ عده‌ای بر این باورند که شاید با برداشتن مقررات مربوط به وظایف دیوانی و جایگزین نمودن آنها با راه کارهای بازار آزاد، بتوان به این مهم دست یافت. در این رابطه اقداماتی نیز انجام گرفته که نتیجه آن مطلوب نبوده است. مثلاً حاصل تقلیل مقررات خطوط هوایی، آسیب به ایمنی هواپیما و ثبات صنعت هوایی بود. گروهی دیگر، علاقمند به مردم سالار کردن سازمان‌های

دیوان‌سالار هستند و چنین هدفی را در مشارکت مردم و نامتمرکز کردن ساختاری وظایف دیوانی جست و جو می‌کنند. این شیوه، سطح پاسخگویی دیوان‌سالاری را به مردم‌سالاری ارتقا می‌دهد. اما برخی دیگر از تحلیل‌گران اعتقاد دارند که علیرغم وجود تفاوت میان دیوان‌سالاری و مردم‌سالاری، به شرطی که دیوان‌سالاری از سوی نهادهای نظارتی مورد اعتماد رصد شود، آشتی آنها امکان‌پذیر است. بر این اساس، هرچه قوانین، مقررات و شیوه کار روشن و دقیق‌تر باشند، تنش میان آن دو کم-رنگ شده و کاهش می‌یابد. (طوسی، 1370، ص 55 و 57)

تحصیل‌دار شدن دولت ایران در دهه 50 ویژگی بارز این دوره محسوب می‌شود. درآمد سالانه ایران در آن ایام از 5 میلیارد دلار در سال 1325 به 21 میلیارد دلار در سال 1354 رسید. این امر منجر به بروز پدیده «عدم اخذ مالیات در مقابل عدم نمایندگی» گردید که تمرکز در سیاست‌گذاری، اجرای مقتدرانه سیاست‌ها و عدم توجه به خواست مردم در ترسیم سیاست‌گذاری، ویژگی بارز نظام دیوان-سالاری دولتی ایران در زمان یاد شده است. اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی و علیرغم وراثت بسیاری از ویژگی‌های نظام‌های سیاسی گذشته، به تغییرات و اصلاحات عمده‌ای مانند افزایش کارایی دولت در جمع‌آوری مالیات، آزادسازی سال‌های 1368 تا 1376 و پویایی ساختار اجتماعی ناشی از آن توجه جدی شد. اجرای اصل 44 قانون اساسی را می‌توان در راستای این سیاست دانست. (ملک محمدی، قلجی، 1387، ص 279)

9- سالم سازی ادارات دولتی و مبارزه با فساد اداری و سلامت اداری

سالم سازی ادارات به عوامل متعددی نظیر عوامل ساختاری شامل اصلاح نظام اداری، سیاست‌زدایی از نظام اداری، جلوگیری از فساد استخدامی، افزایش حقوق و مشارکت کارکنان، اصلاح فرهنگ سازمانی و اقدامات عملی سازمان بازرسی بستگی دارد. (کمالی، 1389، ص 31) سالم سازی ادارت مستلزم اصلاح نظام اداری برای اداره کشور در جهت افزایش کارایی و ارتقای سطح پاسخگویی مدیران و مسئولین با هدف جلب مشارکت عموم مردم برای اداره کشور است. توجه ویژه به ارزش-های اسلامی و تأثیرات بنیادین آن برای تحول و سلامت نظام اداری امری بدیهی و بسیار حائز اهمیت است. زیرا عدم توجه به انتظارات عموم مردم در سالم‌سازی ادارات و رفع فساد نظام اداری، مشروعیت و کارآمدی دولت‌ها را با چالش مواجه می‌کند. بنابراین، بایستی دولت‌ها اقدامات و

اصلاحاتی نظیر تحول در نظام حقوق و دستمزد، جذب نیروی انسانی، کوچک سازی دولت، تبیین اختیارات و وظایف، کاهش تصدی‌گری، تحول در نظام مالی، بهره‌مندی از ابزارهای توانمند نظارت، ارزیابی عملکرد، تقدیر و تشویق کارکنان متعهد و تلاشگر و برخورد با تخلفات احتمالی را در جهت سالم سازی ادارات در اولویت قرار دهند.

سالم‌سازی ادارات نیازمند عوامل مختلفی است که ریشه بعضی از آنها در اعتقادات و ارزش‌های اعضای سازمان است. تقویت این ارزش‌ها و باورها منجر به رفع خیلی از معضلات و ناهنجاری‌های اخلاقی می‌گردد. یکی از این عوامل، تأثیر فرهیختگان و کارگزاران در جامعه است که با مدیریت خردمندانه، موجبات دگرگونی اجتماعی را فراهم یا آن را تسریع و هدایت می‌کنند. (مصباح، 1378، ص 345) برخی دیگر از عوامل سالم‌سازی، متأثر از مسائل داخل سازمان است که با ساختارها و رفتارهای میان مدیران و کارکنان ارتباط مستقیم دارد و به عوامل «درون سازمانی» معروف بوده و شامل تصمیم‌گیری مشورتی، قانون‌گرایی در اداره کشور، شفافیت در امور مدیریتی، پاسخگویی مدیران، نظارت سازمانی بر عملکرد کارگزاران، انتقادپذیری مدیران نظام، عدالت در مواجهه با کارکنان، توجه به بهبود وضع معیشتی کارکنان، امورات آموزشی، شایسته‌سالاری، ارزیابی دقیق عملکرد کارکنان، امورات اقتصادی آنها و ... است. در مقابل، دسته‌ای دیگر از عوامل سالم‌سازی ادارات، «برون سازمانی» هستند. از این دسته می‌توان به عوامل سیاسی، تکریم ارباب رجوع، ارتباط مستقیم با مردم، رعایت آزادی‌های قانونی مردم، نظارت همگانی، پاک‌سازی نظام اداری از عناصر فاسد، بازگرداندن اموال عمومی به بیت‌المال و ... اشاره نمود.

متعاقب صدور فرمان 8 ماده‌ای مقام معظم رهبری در مبارزه با فساد اقتصادی و ارتقای سلامت اداری در دهم اردیبهشت 1380، ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی تشکیل و موظف به برخورد با ریشه فساد مالی، اقتصادی و عمل قاطع از طریق اقدام همه جانبه قوای سه‌گانه شد. مجلس شورای اسلامی هم در اجرای اصل 123 قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در 27 اردیبهشت 1387 اقدام به تصویب «قانون ارتقاء سلامت نظام اداری و مبارزه با فساد» نمود. بعلاوه سلامت اداری و ویژگی‌های جامعه‌ی ایرانی در سند چشم‌انداز بیست‌ساله جمهوری اسلامی ایران در افق 1404 هجری شمسی پیش‌بینی شده است.

10- جذب مخالفان و خنثی سازی آنها

به طور کلی، برخورد با مخالفان سیاسی را می‌توان از موضوعات بنیادین در عرصه حاکمیت دولت‌ها

دانست. براین اساس، در نظام‌های مردم‌سالار مبتنی بر اصل کثرت‌گرایی به عنوان یکی از مؤلفه‌های دموکراسی، اپوزیسیون در چارچوب قانون به مخالفت با سیاست‌های متخذه از سوی هیأت حاکمه می‌پردازد. براساس اصل نظام‌های مردم‌سالار، این مخالفان باید از تمامی حقوق و آزادی‌های مدنی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی برخوردار باشند. (غفاری، 1385، ص 1) در واقع مراد جذب کسانی است که تحت عنوان احزاب و گروه‌های سیاسی فعالیت می‌کنند. البته اهداف و انگیزه‌های متعددی برای چنین اقداماتی متصور است. مثلاً ممکن است در جهت قدرت طلبی، ثروت‌اندوزی، نفاق، تحجر و یا عدالت‌گریزی باشد که به طرق مختلف نظیر سانسور خبری، تحریف دینی، تشویق مخالفان، ممانعت از ثبت‌نامات مدیریتتی، غارت بیت‌المال، ایجاد ناامنی و یا حتی دست زدن به جاسوسی دیده شود. (خسرو پناه، 180، ص 223)

منظور از گروه‌ها و سازمان‌های مخالف نظام، هر گونه حزب، جمعیت، دسته، انجمن، نهضت و اجتماعی است که دارای مرکزیت و تشکیلاتی باشند و اقداماتی مسالمت‌آمیز را در جهت مخالفت با نظام انجام دهند. (حبیب زاده و موسوی مجاب، 1385، ص 126) علیرغم این تعریف، ماده 500 قانون مجازات اسلامی مصوب 1375 مجلس شورای اسلامی، هرگونه فعالیت تبلیغی به نفع گروه‌ها و سازمان‌های مخالف نظام را مستوجب مجازات حبس از سه ماه تا یک سال نموده است و به همین دلیل در زمان بررسی و تصویب آن، نگرانی‌هایی در خصوص این ماده مطرح گردید که ممکن است وسیله‌ای برای جلوگیری از انتقادات سالم گردد و به مقام‌های دولتی امکان سوء استفاده از آن بر علیه منتقدان را هموار نماید. (میرمحمد صادقی، 1380، ص 65) در ضمن، ماده 25 قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب 1382، گروه‌های فعال در جهت براندازی نظام را «دشمن» دانسته است. البته برخورد با مخالفان به نوع فعالیت و اقدامات آنها بستگی دارد. و منظور از جذب و خشتی‌سازی مخالفان برای تقویت مردمی بودن نظام، جذب مخالفان سیاسی است که با روش‌های نسبتاً مسالمت‌آمیزی مخالفت خود را نشان می‌دهند. (خسرو پناه، 1380، ص 224) نه کسانی که به اعمال خرابکارانه یا براندازانه علیه نظام اقدام می‌کنند. لیکن نباید غافل بود که، احزاب مخالف به نحوی از انحاء در تثبیت و حفظ نظام سیاسی کشورها سهیم هستند. احزاب مخالف مانند دریچه اطمینان، به استوار شدن نظام سیاسی کمک می‌کنند. از این منظر، وجود یک حزب مخالف با ایفای چنین نقشی، علاوه بر ثبات نظام سیاسی، بر مشروعیت آن هم می‌افزاید؛ زیرا نظامی که به مخالفان سیاسی خود اجازه فعالیت می‌دهد، در واقع قدرت خود را در معرض قضاوت عموم قرار داده و میزان تعهد و

پایبندی خود به دموکراسی را نشان می‌دهد. (اخوان کاظمی، 1378، ص 116) لیکن آزادی باید در چارچوب قانون باشد. متسکیو معتقد است: «آزادی عبارت از این است که انسان حق داشته باشد هرکاری را که قانون اجازه داده و می‌دهد، بکند و آنچه قانون منع کرده و صلاح او نیست، مجبور به انجامش نباشد.» جمله معروف وی در تبیین آزادی چنین است: «حد اعلاّی آزادی آنجاست که آزادی به حد اعلاّی نرسد.» (متسکیو، 1362، ص 296)

مضاف برآن، مردم باید در برابر قوانین و مقررات یکسان بوده و از حقوق برابر در تمتع از بیت‌المال، برابری در برابر قانون، مراجعه به محاکم و بهره‌مندی از رسیدگی عادلانه برخوردار باشند. (غفاری، 1385، ص 16) این حقوق جزو اصول بنیادین نظام جمهوری اسلامی ایران است. (گلدوزیان، 1379، ص 126)

11- شایسته سالاری و انتخاب کارگزاران صالح

شایسته سالاری در معانی مختلفی نظیر صلاحیت داشتن، کارآمدی و برتری کاربرد دارد و از موضوعات اصلی و محوری است که در متون اسلامی به کرات مورد تاکید بوده و گاهی بقای نظام اسلامی مرهون شایسته سالاری دانسته شده است. شایسته سالاری در کلام الهی نیز مشهود است.¹ این موضوع در سنت پیامبر اکرم (ص) و سیره ائمه معصومین (ع) نیز قابل مشاهده است. (حبی و ناظمی اردکانی، 1390، ص 48) در این مکتب، مناصب و مسؤولیت‌ها، اماناتی به شمار می‌روند که باید به اهلس واکذار شوند.²

استقرار نظام شایسته‌سالار هدف آرمانی است که مردم آن را مطالبه می‌کنند. شایسته‌سالاری یک ساز و کار تلفیقی است که ذیل فرایند شایسته‌خواهی، شایسته‌سنجی، شایسته‌گزینی، شایسته‌گیری، شایسته‌گماری، شایسته‌داری و شایسته‌پروری تشکیل شده است. (حبی و ناظمی اردکانی، 1390، ص 18)

در دنیای رقابتی کنونی، هر کشور و دولتی برای ارتقاء ظرفیت حکمرانی، افزایش کارایی و تأثیرات خدمات عمومی به مدیران و کارگزارانی نیاز دارد تا با بهره‌مندی از شایستگی‌های آنان، تصمیمات مؤثری اتخاذ و اقدامات اثرگذاری را به مرحله اجرا در آورد. لازمه تحقق این مهم، وجود الگویی مناسب و بومی برای توسعه شایستگی‌های مورد نیاز مدیران بخش عمومی است تا به کمک آن بتوانند به انتخاب، پرورش و ارزیابی مدیران شایسته مبادرت ورزند. (عسگری و همکاران، 1394،

¹ یوسف: 55، بقره: 247 و قصص: 26

² نساء: 58

ص 24) لذا اقتضا دارد جهت دستیابی به شایسته‌سالاری، الگوهای شایستگی مدیران دولتی بر اساس رویکردهای بهینه‌کاری و تحلیل رفتاری در سطوح و حوزه‌های مختلف نظام اداری تدوین و سیاست‌های کلان اشاعه فرهنگ شایسته‌سالاری و الزامات اجرایی آن ترسیم گردد.

12- ارتقاء روحیه و اعتماد به نفس ملی و تقویت عزت ملی

واژه «روحیه» یکی از پرکاربردترین واژگان سند راهبردی بیانیه گام دوم انقلاب است و رهبر فرزانه، روحیه تلاشگر و جهادی را شایسته جوانان متعهد دانسته‌اند. بعلاوه در سیاست‌های کلی علم و فن-آوری ابلاغی معظم‌له در سال 1393، به ارتقای روحیه نشاط، امید، خودباوری، نوآوری نظام‌مند، شجاعت علمی، کار جمعی و وجدان‌کاری تاکید شده است. از نظر حضرت امام (ره) تقویت روحیه اعتماد به نفس، یکی از شروط استقلال جویی دانشجویان و حرکت کشور به سمت استقلال و قطع وابستگی است (پژوهشکده چشم انداز آینده پژوهی، 1398، ص 15) زیرا برخورداری مردم از نشاط اجتماعی منجر به افزایش وفاق و مشارکت عمومی می‌شود. یکی از این عوامل، فرصت‌سازی برای توسعه اقتصادی است که مستلزم طراحی یک نقشه‌راه عالمانه است. نشاط اجتماعی یک حس درونی است که ماهیتی اصیل، مثبت و بادوام دارد و مردم در آن شرایط احساس رضایت و پویایی دارند. برخی از موارد پیشنهادی برای ارتقای روحیه عبارتند از: فراگیری بهداشت روانی، پیش‌گیری از فشارهای روانی و آسیب‌های فردی و توجه به رشد و شکوفایی استعدادها. (نوری حکمت، 1392، ص 3)

سیاست تقویت روحیه تعاون و همکاری برای تقویت مشارکت مردم از طریق ارتقای اعتماد مردم به سطوح مختلف عملکرد نظام، گسترش ارتباطات اجتماعی، تقویت و تعامل بین مردم، دولت و تشکل‌ها، توسعه برنامه‌های فرهنگی، گسترش روحیه فداکاری و گذشت با ترویج آموزه‌های دینی و قرآنی، نشر فرهنگ ایثار، الگو پردازی مفاخر ملی، نماد سازی مفاخر دینی و ترویج الگوهای بومی ایرانی-اسلامی در سند برنامه راهبردی مورد تاکید بوده است. مضاف بر آن، تمسک به کلام الهی برای تقویت و ارتقای روحیه در فرهنگ اسلامی می‌تواند ما را در نیل به این هدف مهم یاری نماید. خداوند می‌فرماید: «به آنچه خدا از فضل خود به آنان داده است شادمانند...»¹ و «بگو که باید منحصرأ

¹ آل عمران: 171.

به فضل و رحمت خدا شادمان شوند...¹ از این نوع شادمانی در کلام الهی به «فضیلت اخلاقی» تعبیر شده است و چون منشاء این شادی فضل و بخشش الهی است، بنابراین بهترین شادی‌ها محسوب می‌شود.

13- افزایش احساس مسئولیت اجتماعی

احساس مسئولیت فردی ریشه روان شناختی برای موفقیت و رفتار دیگرخواهانه و سهیم نمودن دیگران در منابع محسوب می‌شود. در واقع مسئولیت‌پذیری فردی و اجتماعی متغیر بسیار مهمی در ایجاد موفقیت فردی و احساس خودکارآمدی محسوب می‌شود. کمک به رفتارهای دیگرخواهانه می‌تواند به افزایش سطح سرمایه اجتماعی یاری نموده و از این طریق برکات مضاعفی برای کشور فراهم کند؛ زیرا مردم با احساس مسئولیت‌پذیری اجتماعی، همه بار را به دوش مسئولان نخواهند انداخت و با مشارکت عمومی برای حل مشکلات خواهند کوشید. (خواجه نوری، مساوات و ریاحی، 1393، ص 33)

در سلسه مراتب نظام اجتماعی و سیستم حکومتی، کارگزاران و مقامات عمومی از حقوق و تکالیف بالایی برخوردارند و همان‌طوری که آنها از مردم انتظاراتی دارند، مردم نیز خواسته‌هایی از مسئولان دارند. یعنی باید علاوه بر اتخاذ شیوه معقول و کارآمد، نتیجه عملکردهای خود را قبول نموده و در مقابل مردم پاسخگو باشند و در صورت ناکارآمدی، رویه خود را اصلاح نمایند. از این منظر، مسئولیت‌پذیری یک ارزش اخلاقی است که مردم اکثر جوامع از مقامات حکومتی خود مطالبه می‌کنند. (هاشمی، 1395، ص 4)

اگر در سایه آموزش مسئولیت‌پذیری، مردم در عمل مشاهده نمایند که تابعین از قانون در جامعه نسبت به قانون‌گریزان از جایگاه شایسته‌تری برخوردارند، در این صورت تمایلی به نفی قوانین و مقررات نخواهند داشت و آرامش روانی حاصل از احساس مسئولیت نسبت به نیازها و شادمانی دیگران در درون جامعه نهادینه می‌شود. (خواجه نوری و همکاران، 1393، ص 22) براساس پژوهش انجام گرفته، عدم احساس مسئولیت یکی از مؤلفه‌های ناکارآمدی نظام اداری ایران از جهت نیروی انسانی عنوان شده است. (طغیانی، 1390، ص 184) شهید صدر از این موضوع تحت عنوان

¹ یونس: 58.

«کفالت عمومی» یاد کرده است. (صدر، 1360، ص 666) لذا ضرورت دارد مردم نیازهای عمومی و حیاتی یکدیگر را تأمین نموده و در این ساختار واحد اجتماعی، خود را مسئول بدانند.

14- خصوصی سازی و تامین رفاه و حمایت از بازار

فلسفه اصلی خصوصی سازی، تعیین نقش دولت در اقتصاد، بهداشت، آموزش، تامین اجتماعی، دفاع ملی، سرمایه گذاری و ایجاد ساختار حقوقی برای فعالیت شرکت های خصوصی است. (یازرلو، 1392، ص 122) خصوصی سازی به مفهوم سیاست کوچک سازی بدنه دولت و ارتقای عملکرد اقدامات اقتصادی از طریق انتقال مدیریت و یا انتقال مالکیت دارایی ها به بخش غیردولتی است. تحقق اهداف سند چشم انداز 20 ساله کشور در گرو مشارکت و حضور همه جانبه تمامی بخش های اقتصادی اعم از دولتی، خصوصی و تعاونی است. این واقعیت در سیاست های کلی اصل 44 قانون اساسی به صراحت مورد تاکید بوده و ابلاغ آن از سوی مقام معظم رهبری می تواند مصداق بارز انقلاب صنعتی در جهت رفع معضل اقتصادی کشور باشد هر چند اجرای آن همواره با چالش هایی مواجه بوده است. به عنوان مثال پایین بودن سرمایه ی مردم و عدم اعتماد آنها به اهداف و سیاست های دولت در حوزه اقتصاد مانع عمده مشارکت فراگیر مردم در خصوصی سازی است. تجربه تلخ مردم در سرمایه گذاری بازار بورس به تشویق و ترغیب دولت دوازدهم در سال 1399 دیوار عدم اعتماد را بالا برده است و یقیناً ترمیم این شکاف سهل نخواهد بود. یکی دیگر از چالش های موجود، اقتصاد رانتی و وابستگی به نفت در کشور است که سبب فربه شدن دولت شده و حاصل آن توجه نکردن به شایسته سالاری، توسعه بروکراسی زاید و پاسخگو نبودن دولت بوده است. عدم فهم مشترک دولت و مردم از سیاست های ابلاغی و نبود نظام مشاوره و اطلاع رسانی شفاف و نیز جایگاه نامناسب بخش تعاون در اقتصاد کشور از چالش های دیگر اجرای این سیاست می تواند باشد. (آل عمران، 1390، ص 85) خصوصی سازی در مفهوم واقعی و در اذهان مردم عبارت از فرایندی است که به موجب آن، کار مردم باید به خودشان واگذار شود. در خصوصی سازی از طریق مشارکت بخش خصوصی، چارچوبی فراهم می شود که می توان به وسیله آن به لحاظ ارائه خدمات اجتماعی و زیرساختی از اصلاحات موفق و سرمایه گذاری در بخش های مختلف اطمینان حاصل کرد. (زارعیان، سرور و ارغان، 1397، ص 235) یکی از اهداف مهم خصوصی سازی افزون بر کاهش حوزه فعالیت مستقیم دولت در اقتصاد، افزایش مشارکت مردم در امور اقتصادی و تصمیم گیری است که تحقق آن

علاوه بر توزیع مناسب درآمدها، موجبات افزایش سطح رضایت عمومی را نیز فراهم می‌کند.

15- مسئولیت‌پذیری مسئولان و رواج نظارت همگانی

به موجب اصل هشتم قانون اساسی، دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای است همگانی و متقابل برعهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت. در نظام جمهوری اسلامی ایران بایستی همه اقشار مردم در قلمرو کار و مأموریت‌های خودشان مسئولیت‌پذیر باشند. یقیناً اهمیت این ویژگی در مسئولان و کارگزاران نظام مضاعف و افزون‌تر است. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «آگاه باشید که همه شما در برابر تعهدات خود نگهبان و مسئول هستید.» (ارشاد القلوب، ص 184) مسئولیت‌پذیری مسئولان در واقع همان پاسخگویی زمامداران و کارگزاران است؛ زیرا در تعریف پاسخگویی مشاهده می‌کنیم که عبارت است از «نوعی فرمانروایی، اطاعت امر و اجابت درخواست دیگران نسبت به وظایفی که بر عهده دارند و برای آنها ایجاد تعهد می‌کند». به عبارت دیگر نوعی رفتار اخلاقی است که توأم با الزام بوده و تعهد آور است. گاهی این مسئولیت اخلاقی به صورت اخلاق سازمانی بوده و ناظر بر مسئولیت افراد به عنوان اشخاص حقوقی است. (ایزدی فرد و کاویار، 1390، ص 157)

یکی از شاخص‌های کلیدی حکمرانی خوب در اکثر اسناد ملی و بین‌المللی نظیر برنامه توسعه سازمان ملل مصوب 1997، مقررات بانک جهانی مصوب 2005، برنامه کمیسیون اقتصادی و اجتماعی ملل متحد در آسیا و اقیانوسیه 2004 و سایر اسناد مرتبط با پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری می‌باشد. (ساعی، روشن، 1389، ص 17) از دیدگاه نهج البلاغه، مسئولیت سازمانی به معنی رعایت حقوق دیگران و اجرای وظایف در برابر حقوق آنهاست. امام علی (ع) در خطبه 216 می‌فرماید: «شما نسبت به من به عنوان سرپرست حکومت، وظایفی دارید و من نیز نسبت به شما به عنوان حاکم وظایفی دارم ... حق شما بر من این است که از خیر خواهی شما دریغ نورزم و بیت‌المال را میان شما عادلانه تقسیم کنم، شما را آموزش دهم تا بی‌سواد و نادان نباشید و شما را تربیت کنم تا راه درست زندگی را بدانید.» آن‌حضرت در ادامه می‌فرماید: «اگر طرفین به وظایف و مسولیت‌های خود عمل کنند، حق در آن جامعه عزت می‌یابد و راه‌های دین پایدار و نشانه‌های عدالت برقرار می‌گردد.» پس مسئول و کارگزار به لحاظ مسئولیتی که دارند، در برابر مردم مسئول و متعهد هستند. (خواجeh سروی، اقبال و طباطبائی، 1392، ص 41) مسئولیت‌پذیری با متغیرهای مختلفی مانند

دگرخواهی، اعتماد اجتماعی، قومیت، پایگاه اجتماعی، عام‌گرایی، جهانی شدن، آگاهی اجتماعی و ... سنجیده می‌شود. (خواجه نوری، مساوات و ریاحی، 1393، ص 48)

نتیجه‌گیری

با توجه به زمینه‌های فرهنگی، دینی، تاریخی و ظرفیت‌های قانون اساسی، حمایت رهبران انقلاب اسلامی و تجارب مکتسبه‌ی مردم در چهار دهه گذشته، فرصت‌های بسیاری برای افزایش مشارکت مردم وجود دارد که بایستی به نحو شایسته شناسایی و جذبشان کنیم که در این صورت، یقیناً آثار نیکو و خیریت‌های ارزنده‌ای را شاهد خواهیم بود. اما چنانچه در جذب این مشارکت مردمی موفق نشویم، بسیاری از همین ظرفیت‌های مثبت، به تهدید علیه انقلاب اسلامی تبدیل خواهد شد. بر این مبنا، حضور و مشارکت مردم در انقلاب اسلامی در سایه متابعت قدرت سیاسی ایجاد شده از قدرت مردم تجلی پیدا می‌کند. این امر مستلزم حضور نخبگان در اتخاذ تصمیم‌های اساسی، گسترش قواعد حقوقی، نهادینه‌سازی حاکمیت قانون، اعمال نظارت مردمی بر قدرت دولت، ایجاد مؤسسات و نهادهای مردمی و غیردولتی، سالم‌سازی ادارات و اشاعه فرهنگ شایسته‌سالاری است که سبب کاهش ناهنجاری‌ها و برخورداری مردم از نشاط اجتماعی می‌گردد و حاصل آن، ارتقای سطح انگیزه برای تلاش و کوشش جهت دستیابی به پیشرفت و ترقی جامعه خواهد بود.

کتابنامه:

الف) کتب:

1. الوانی، سید مهدی (1374)، مدیریت عمومی، چاپ چهاردهم، تهران، انتشارات نشرنی.
2. چلبی، مسعود (1375)، جامعه‌شناسی نظم: تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی، تهران، نشر نی.
3. جوان آراسته، حسین (1384)، حقوق اجتماعی سیاسی در اسلام، قم، انتشارات دفتر نشر معارف.
4. دبیرنیا، علیرضا (1395)، قدرت مؤسس کاوشی در مبانی حقوق اساسی مدرن، چاپ دوم، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
5. خسرو پناه، عبدالحسین (1380)، جامعه‌علوی در نهج البلاغه، قم، مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی حوزه علمیه.

6. خمینی (امام)، روح الله (1358)، صحیفه نور، جلد هشتم. مؤسسه تنظیم و نشر آثار.
7. صدر، سید محمدباقر (1360)، اقتصاد ما، مشهد، انتشارات جهاد سازندگی خراسان.
8. شای، توفیق (1992)، فقه الشورا و الاستشاره، قاهره، دارالوفا، چاپ سوم.
9. کاتوزیان، ناصر، (1366)، فلسفه حقوق، جلد اول، تهران، به نشر.
10. گلایی، سیاوش، (1376)، اصول و مبانی جامعه شناسی، تهران، نشر میترا.
11. لا گلین، مارتین (1393)، مبانی حقوق عمومی، ترجمه محمد راسخ، چاپ چهارم، تهران، نشر نی.
12. متسکیو (1748)، روح القوانين، ترجمه علی اکبر مهتدی، چاپ هشتم، تهران، چاپخانه سپهر.
13. میرمحمد صادقی، حسین (1380)، جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی، چاپ سوم، تهران، نشر میزان.
14. هاشمی، سید محمد (1374). حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد اول، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی تهران.

ب. مقالات

15. آل عمران، رویا و سیدعلی آل عمران (1390)، خصوصی سازی و سیاست‌های کلی اصل 44 قانون اساسی، مجله اقتصادی - ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی، شماره 12، صص 73-88.
16. اخوان کاظمی، بهرام (1378)، احزاب، ثبات سیاسی و امنیت، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره 4، صص 97-127.
17. ایزدی فرد، علی اکبر و حسین کاویار (1390)، مسئولیت پذیری کارگزاران و مدیران به عنوان یکی از عوامل شایسته سالاری از دیدگاه امام علی (ع)، فصلنامه نظارت و بازرسی، سال 5، شماره 17، صص 153-173.
18. جمالی اسگویی، سیدجمال و احمد بخشایشی اردستانی و میرقاسم بنی‌هاشمی (1399)، اقتصاد سیاسی فساد در جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مجلس و راهبرد، سال 27، شماره 101، صص 33-58.
19. دبیرنیا، علیرضا و عادل شبیانی (1399)، نماینده گرایی، نظام نمایندگی پویا و ظرفیت‌های قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مجلس و راهبرد، سال 27، شماره 102، صص 73-92.

20. حبیب‌زاده، محمدجعفر و سید درید موسوی مجاب (1385)، تحلیل جرم فعالیت تبلیغی علیه نظام جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه فقه و حقوق، سال 3، صص 123-140.
21. خدایی، مسعود، (1393)، اندیشه حاکمیت قانون در پرتو آموزه‌های سبک زندگی رضوی، فصلنامه سیاست متعالیه، سال دوم، شماره 6، صص 89-106.
22. خواجه‌سروی، غلامرضا، اقدس اقبال و جواد طباطبائی ممقانی (1392)، مختصات سبک زندگی مطلوب در نظام مردم‌سالاری اسلامی، فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی (ویژه‌نامه سبک زندگی)، سال 4، شماره 13، صص 35-55.
23. خواجه‌نوری، بیژن و سید ابراهیم مساوات، زهرا ریاحی (1393)، رابطه سبک زندگی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال 5، شماره 4، صص 19-36.
24. رحمت‌اللهی، حسین و فاطمه یزدی‌زاده‌البرز، (1398)، اخلاقیات درونی قانون در اندیشه لون فولر، فصلنامه تحقیقات حقوقی، شماره 86، صص 147-168.
25. رحیمی، محمدرضا و قربانعلی ایمان‌پور (1397)، بررسی نقش پاسخگویی و تأثیر آن بر-مدیریت توسعه پایدار، مجله رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری، سال دوم، شماره 4، صص 115-123.
26. زارعیان، کامران؛ رحیم سرور؛ عباس‌ارغان (1397)، عوامل تأثیرگذار در پیاده‌سازی الگوی مشارکت عمومی - خصوصی در توسعه شهری تهران، فصلنامه نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، سال 10، شماره 4، صص 231-250.
27. ساعی، علی؛ تینا روشن (1389)، تحلیل درک کیفیت حکمرانی در ایران، فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، سال 6، شماره 21، صص 167-185.
28. طغیانی، مهدی (1390)، ترسیم راهکارها و ضوابط دستیابی به جامعه مطلوب ایرانی در سال 1393، فصلنامه برنامه ریزی و بودجه، سال 16، شماره 1، صص 161-188.
29. طوسی، محمدعلی (1370)، دیوان‌سالاری و مردم‌سالاری، فصلنامه فرآیند مدیریت و توسعه، دوره 5، شماره 1، صص 54-58.
30. قنبرلو، عبدالله (1394)، تأثیر انتخابات بر جایگاه بین‌المللی دولت، با تأکید بر جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال 18، شماره 3، صص 171-196.

31. عامری، زهرا (1394)، نظارت سیاسی بر قدرت و کاربست آن از طریق مردم در نظام حقوقی ایران، فصلنامه سپهر سیاست، سال 2، شماره 3، صص 115-174.
32. عسگری، ناصر و غلامحسین نیکوکار، حسین صفری، مهرداد غلامی (1394)، الگوی شایستگی‌های مدیران دولتی جمهوری اسلامی ایران براساس سند چشم‌انداز 404، فصلنامه مدیریت در دانشگاه اسلامی، سال 4، شماره 1، صص 23-38.
33. فرهادی، روح‌الله (1389)، نخبه‌گرایی قدیم و جدید، فصلنامه ره‌آورد سیاسی، شماره 26 و 27، صص 53-67.
34. فلاح، محمدعلی و علیرضا کسرائی، ماندانا مومنی، امین رجبی تاج امیر (1393)، امکان سنجی پیاده سازی مدیریت مشارکتی از طریق نظام پیشنهادها در دانشگاه هوایی شهید ستاری، فصلنامه مطالعات منابع انسانی، سال 4، شماره 14، صص 47-66.
35. ملک محمدی، حمیدرضا و حسین قلجی (1387)، باز اندیش تأثیرات متقابل نظام سیاسی و دیوانسالاری در جهان در حال توسعه، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره 38، شماره 1، صص 267-280.
36. واعظی، رضا و محمد صادق‌آزمندیان (1390)، مدل پاسخگویی سه بعدی: نگاهی متفاوت به پاسخگویی، فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی، سال 6، شماره اول، صص 131-155.
37. معینی پور، مسعود؛ عبدالله نسب، محمدرضا (1395)، رابطه‌ی ولایت و جمهوریت در اندیشه‌ی سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای، سیاست متعالیه، سال 4، شماره 15، صص 83-100.
38. یازرلو، حجت‌الله (1392)، تحلیل تئوری‌های خصوصی‌سازی و تاثیر آن بر اقتصاد دولت، نشریه تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، دوره 6، شماره 19، صص 121-130.
39. نیک‌پور قنواتی، لیلا و مهدی معینی، حبیب‌احمدی (1391)، بررسی عوامل اجتماعی-اقتصادی مرتبط با مشارکت سیاسی، فصلنامه جامعه‌شناسی زنان، سال 3، شماره اول، صص 39-62.
40. هاشمی، سیداحمد (1395)، کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در مدیریت، اقتصاد و حسابداری، استانبول ترکیه.

References

Books:

41. Alvani, Seyed Mehdi (1374), General Management, Fourteenth Edition, Tehran, Nashrani Publications. (in Persian)

42. Chalabi, Massoud (1375), *Sociology of order: theoretical description and analysis of social order*, Tehran, Ney Publishing. (in Persian)
43. Javan Arasteh, Hossein (2005), *Social and Political Law in Islam*, Qom, Maaref Publishing House. (in Persian)
44. Dabirnia, Alireza (2016), *The Founding Power of Exploration in the Fundamentals of Modern Constitutional Law*, Second Edition, Tehran,
45. Shahr-e-Danesh Institute for Legal Studies and Research. (in Persian)
46. Khosrow Panah, Abdolhossein (2001), *Alavi community in Nahj al-Balagheh*, Qom, Center for Cultural Studies and Research of the seminary. (in Persian)
47. Khomeini (Imam), Ruhollah (1358), *Sahifa Noor*, Volume 8. Institute for organizing and publishing works. (in Persian)
48. Sadr, Seyed Mohammad Baqer (1981), *Our Economy*, Mashhad, Jihad Sazandegi Khorasan Publications. (in Persian)
49. Shawi, Tawfiq (1992), *Jurisprudence of the Shura and Al-Istishara*, Cairo, Dar al-Wafa, third edition. (in Persian)
50. Katozian, Nasser, (1987), *Philosophy of Law*, Volume I, Tehran, published. (in Persian)
51. Golabi, Siavash, (1997), *Principles and Foundations of Sociology*, Tehran, Mitra Publishing. (in Persian)
52. La Glin, Martin (2014), *Principles of Public Law*, translated by Mohammad Rasekh, fourth edition, Tehran, Ney Publishing. (in Persian)
53. Montesquieu (1748), *The Spirit of Laws*, translated by Ali Akbar Mohtadi, eighth edition, Tehran, Sepehr Printing House. (in Persian)
54. Mir Mohammad Sadeghi, Hossein (2001), "Crimes against public security and comfort, third edition, Tehran, Mizan Publishing. (in Persian)
55. Hashemi, Seyed Mohammad (1374). *Constitutional Law of the Islamic Republic of Iran*, Volume One, Shahid Beheshti University of Tehran Press. (in Persian)

B. articles

56. Al-Imran, Roya and Seyed Ali Al-Imran (2011), *Privatization and General Policies of Article 44 of the Constitution*, *Economic Journal - Monthly Review of Economic Issues and Policies*, No. 12, pp. 73-88. (in Persian)

57. Akhavan Kazemi, Bahram (1999), Parties, Political Stability and Security, Quarterly Journal of Strategic Studies, No. 4, pp. 97-127. (in Persian)
58. Jamali Osgooi, Seyed Jamal and Ahmad Bakhshaishi Ardestani and Mir Ghasem Bani Hashemi (1399), Political Economy of Corruption in the Islamic Republic of Iran, Quarterly Journal of Parliament and Strategy, Volume 27, Number 101, pp. 33-58. (in Persian)
59. Dabirnia, Alireza and Adel Sheibani (1399), Representationism, Dynamic Representation System and Capacities of the Constitution of the Islamic Republic of Iran, Quarterly Journal of Parliament and Strategy, Volume 27, Number 102, pp. 73-92. (in Persian)
60. Habibzadeh, Mohammad Jafar and Seyed Darid Mousavi Mojab (2006), Crime Analysis of Propaganda Activities against the Islamic Republic of Iran, Quarterly Journal of Jurisprudence and Law, Volume 3, pp. 123-140. (in Persian)
61. Khodaei, Massoud, (2014), The idea of the rule of law in the light of the teachings of Razavi lifestyle, Quarterly Journal of Transcendental Politics, second year, No. 6, pp. 89-106. (in Persian)
62. Khajeh Sarvi, Gholamreza, Aqdas Iqbal and Javad Tabakhi Mamghani (2013), Coordinates of the optimal lifestyle in the Islamic democratic system, Quarterly Journal of Counseling and Psychotherapy Culture (Special Issue of Lifestyle), Volume 4, Number 13, pp. 35-55. (in Persian)
63. Khajeh Nouri, Bijan and Seyed Ebrahim Masavat, Zahra Riahi (2014), The Relationship between Lifestyle and Social Responsibility, Institute of Humanities and Cultural Studies, Volume 5, Number 4, pp. 19-36. (in Persian)
64. Rahmatollahi, Hossein and Fatemeh Yazdizadeh Alborz, (1398), The Internal Ethics of Law in the Thought of Loon Fuller, Quarterly Journal of Legal Research, No. 86, pp. 147-168. (in Persian)
65. Rahimi, Mohammad Reza and Ghorban Ali Imanpour (1397), The role of accountability and its impact on sustainable development management, Journal of New Research Approaches in Management and Accounting, Second Year, No. 4, pp. 115-123. (in Persian)
66. Zareian, Kamran; Rahim Server; Abbas Arghan (1397), Influential factors in implementing the model of public-private participation in urban development of Tehran, Quarterly Journal of New Attitudes in Human Geography, Volume 10, Number 4, pp. 231-250. (in Persian)
67. Saei, Ali; Tina Roshan (2010), Analysis of Perception of the

- Quality of Governance in Iran, Quarterly Journal of the Iranian Association for Cultural Studies and Communication, Volume 6, Number 21, pp. 167-185. (in Persian)
68. Toghyani, Mehdi (2011), Drawing strategies and criteria for achieving the desired Iranian society in 1393, Quarterly Journal of Planning and Budget, Volume 16, Number 1, pp. 161-188. (in Persian)
69. Tusi, Mohammad Ali (1991), Bureaucracy and Democracy, Quarterly Journal of Management and Development Process, Volume 5, Number 1, pp. 54-58. (in Persian)
70. Ghanbarloo, Abdullah (2015), The Impact of Elections on the International Position of the Government, with Emphasis on the Islamic Republic of Iran, Quarterly Journal of Strategic Studies, Volume 18, Number 3, pp. 171-196. (in Persian)
71. Ameri, Zahra (2015), Political Supervision of Power and Its Exercise by the People in the Iranian Legal System, Sepehr Siyasat Quarterly, Volume 2, Number 3, pp. 115-174. (in Persian)
72. Asgari, Nasser and Gholamhossein Nikokar, Hossein Safari, Mehrdad Gholami (2015), The Model of Competencies of Government Managers of the Islamic Republic of Iran Based on Vision 404 ", Quarterly Journal of Management in Islamic University, Volume 4, Number 1, pp. 23-38. (in Persian)
73. Farhadi, Ruhollah (2010), Old and New Elitism, Political Rahavard Quarterly, No. 26 and 27, pp. 53-67. (in Persian)
74. Fallah, Mohammad Ali and Alireza Kasraei, Mandana Momeni, Amin Rajabi-Taj Amir (2014), Feasibility Study of Implementing Participatory Management through the Suggestion System in Shahid Sattari Aviation University, Quarterly Journal of Human Resources Studies, Volume 4, Number 14, pp. 47- 66. (in Persian)
75. Malek Mohammadi, Hamidreza and Hossein Gholji (2008), Rethinking the Interactions of Political System and Bureaucracy in the Developing World, Quarterly Journal of Politics, Journal of the Faculty of Law and Political Science, Volume 38, Number 1, pp. 267-280. (in Persian)
76. Vaezi, Reza and Mohammad Sadegh Azmandian (2011), 3D Accountability Model: A Different Look at Accountability, Quarterly Journal of Disciplinary Management Studies, Volume 6, Number 1, pp. 131-155. (in Persian)
77. Moeinipour, Massoud; Abdullah Nasab, Mohammad Reza (2016), The Relationship between the Province and the Republic in the Political

Thought of Ayatollah Khamenei, Transcendent Politics, Volume 4, Number 15, pp. 83-100. (in Persian)

78. Tyler, Tom. R (2001), Trust and law – abidingness: a proactive model of social regulation, The Australian national university, research school of social science, working paper, no. 16.

79. Martin, T. (2012), From the Founding of Rome to the Republic. In Ancient Rome: Romulus to Justinian, Yale University Press.

80. Urbinati, Nadia (2006), Representative Democracy Principles and Genealogy, Chicago, The University of Chicago Press